

دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۱۶ می ۲۰۱۰

شرح چگونگی اجرای حکم اعدام پنج زندانی سیاسی

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، حسب وظیفه و رسالت خود در حوزه ی اطلاع رسانی نقض حقوق بشر و حسب خواست تعدادی از خانواده های جان باختگان، تحقیقات میدانی خود را که از مجموع زندانیان و شاهدان در خصوص چگونگی اجرای حکم اعدام ۵ زندانی سیاسی و به قصد ارسال به سازمان های مدافع حقوق بشر جمع آوری شده است منتشر می‌کند.

خبرگزاری هرانا - مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، حسب وظیفه و رسالت خود در حوزه ی اطلاع رسانی نقض حقوق بشر و حسب خواست تعدادی از خانواده های جان باختگان، تحقیقات میدانی خود را که از مجموع زندانیان و شاهدان در خصوص چگونگی اجرای حکم اعدام ۵ زندانی سیاسی و به قصد ارسال به سازمان های مدافع حقوق بشر جمع آوری شده است منتشر می‌کند. امید است این گزارش که فارغ از محدودیتهای بسیار امنیتی و ارتباطی سعی شده فارغ از مسایل عقیدتی کمترین رویدادها نیز در آن حذف نشود؛ به تنویر افکار عمومی کمک نماید.

در اولین قدم از اجرای این احکام، زندانی سیاسی، مهدی اسلامیان در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۸ اردی بهشت ماه تحت عنوان نقض حکم و لزوم حضور در بخش اجرای احکام زندان رجایی شهر کرج از بند ۱ محل استقرار خود خارج و سپس به یگان حفاظت انتقال آماده برای اعزام ایشان به زندان اوین، تحویل داده شد.

□

نامبرده حوالی ظهر بدون طی قرنطینه، در حالی که برای چندمین بار درخواست تلفن به خانواده خود را داشت، مستقیماً به یکی از سلول های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.

□

ساعت شش و نیم عصر همان تاریخ ابتدا علی حیدریان از هواخوری سالن ۶ و سپس فرزاد کمانگر تحت عنوان احضار به بند ۲۰۹ در حالی که تلفن های زندان اوین از ساعت چهار عصر قطع شده بود از کتابخانه

اندرزگاه ۷ این زندان به بند ۲۴۰ منتقل شدند.

□

فرهاد وکیلی نیز از بند ۳۵۰ زندان اوین تحت عنوان احضار به بند امنیتی ۲۰۹ در عصر همان روز خارج و به سلول های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.

□

هم چنین شیرین علم هولی، دیگر زندانی سیاسی این زندان نیز غروپ همان روز از بند ۳ نسوان تحت عنوان سوال و نقص پرونده و نهایتاً احضار به بند ۲۰۹ خارج و به بند ۲۴۰ این زندان منتقل شد.

□

به گواه شاهدان پس از جمع شدن زندانیان سیاسی مذکور در بند ۲۴۰ و در زمانی که تقریباً محرز شده بود که اجرای حکم اعدام این زندانیان مدنظر است، از حدود ساعت یازده شب در موارد متعددی صدای بلند آواز خواندن ۵ زندانی مورد اشاره به گوش سایر زندانیان این بند می رسید.

□

شاهدان عنوان می نمایند تا ساعت ۴ صبح حداقل دو بار افرادی با هویت های نامعلوم در معیت نماینده دادستان به سلول های زندانیان سیاسی مراجعه کردند که در مواردی دوربین فیلمبرداری همراه آن ها مشاهده شده است اما از شرح ماقوع و دیالوگ های صورت گرفته کماکان اطلاعی در دست نیست.

□

حدود ساعت چهار صبح روز ۱۹ اردی بهشت ماه، حداقل ۲۵ تا ۳۰ مامور با فرماندهی فردی به نام "کورگل" برای انتقال زندانیان به پای چوبه های دار در بند ۲۴۰ این زندان حاضر شدند.

□

در این هنگام فرزاد کمانگر به عنوان یکی از ۵ زندانی سیاسی در آستانه ی اعدام، که تعدادی شکلات به همراه خود داشت، به سربازان حاضر شکلات تعارف می کند که با برخورد توهین آمیز فردی به نام "انارکی" از مسولان تیم حاضر روبه رو می شود و سرانجام پس از بحث و جدل با دخالت تعداد دیگری از مسولان حاضر اجازه توزیع شکلات ها را بین چهار زندانی سیاسی دیگر می یابد.

□

سرانجام زندانیان پس از دستبند و پابند شدن به سمت محوطه اصلی زندان اوین مابین درهای اول و دوم منتقل می شوند. این در حالی بود که فرهاد وکیلی و فرزاد کمانگر هر دو از مشکل جسمی حاصله از شکنجه های سابق در زمان راه رفتن در رنج بودند.

□ در محدوده محوطه اصلی جنب پارکینگ موتوری این زندان، محل اعدام پیش‌تر آماده شده بود؛ و زندانیان بدون مقدمه بر روی نیمکت‌های حاضر برده شدند.

□ دقایقی پیش از اجرای حکم در حالیکه دو دوربین فیلمبرداری از جزییات اجرای حکم تصویربرداری می‌کردند، تعدادی از زندانیان خواستار باز کردن دستبند یا پابند خود و اجازه انداختن طناب به گردن خود به عنوان آخرین خواسته شدند که با توهین مسولان حاضر اقدام به شعار دادن و پاسخگویی نموده و هم‌چنین به سرود خوانی جمعی پرداختند. (با توجه به عدم اطلاع شهود از زبان کردی، تاکنون تنها مشخص شده است، یکی از سرودهای سرداده شده سرودی است کردی به نام ای رفیق یا احتمالاً ای رقیب)

□ در حالیکه زندانیان حاضر به سکوت نبودند، قبل از ساعت ۵ صبح روز ۱۹ اردی بهشت ماه ۱۳۸۹ حکم اعدام ۵ زندانی سیاسی بدون طی کمترین روال قانونی و انسانی در محوطه زندان اوین به اجرا در آمد.

□ پس از اجرای حکم و پایین آوردن پیکرها و معاینه پزشکی توسط فردی به نام "شاه ویسی"، اجساد به محل نامعلومی منتقل شده و تاکنون نیز دستگاه قضایی-امنیتی از تحویل دادن پیکرها به خانواده‌ها بر خلاف حداقل موازین حقوقی و انسانی خودداری نموده است.

کالبدشکافی یک جنایت

انتشار اسناد در رابطه با اعدام ۵ زندانی سیاسی

کالبدشکافی جنایت صورت گرفته توسط دستگاه امنیتی حکومت ایران در طی روزهای اخیر با اعدام ۵ زندانی عقیدتی به نامهای مهدی اسلامیان، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، فرزاد کمانگر و شیرین علم‌هولی که از کمترین وجاهت قانونی برخوردار نبوده، نیاز به پردازشی گسترده دارد که «مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» قصد دارد به صورت مرحله‌ای همراه با اسناد خود نسبت به آن اقدام کند.

هر چند این مجموعه، اسناد خود را به سازمانهای ذیربط در خصوص مجموع موارد نقض حقوق در این پرونده ارائه نموده است، اما با باور به جایگاه افکار عمومی و لزوم شفاف‌سازی و پاسخگویی مستدل حداکثر توان خود در تشریح غیرحقوقی بودن این پرونده را به کار خواهد بست، در اولین قدم این مجموعه نیاز می‌بیند به بررسی موضوع

اتهام و روند دادرسی اولیه پردازد، در تمامی اسناد موجود منجمله مدعیات وکلا و خود زندانیان و حتی اسناد رسمی، اتهام سه بازداشت شده عضویت در حزب کارگران کردستان ترکیه موسوم به پ.ک.ک است که حزبی کردی در حوزه جغرافیایی کردستان کشور ترکیه است و سالهاست بر علیه دولت ترکیه فعالیت می کند است نه عضویت در حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) که با دولت ایران در ستیز است.

بر فرض صحت اتهام عضویت در حزب پ.ک.ک باید در نظر داشت که رهبری این حزب مخالف دولت ترکیه در تاریخ ۲۶ اسفند ۷۷ توسط دولت آن کشور دستگیر و نهایتاً به حبس ابد محکوم شد! اما در ایران با اینکه این حزب فعالیت بر علیه دولت ایران ندارد اما بر اساس آنچه که فرزاد کمانگر آن را پیشکشی سیاسی می خواند سه زندانی متهم به عضویت در این حزب اعدام شدند!

فارغ از تمامی موارد نقض حقوق و مغایر با اصول انسانی منتهی به مرگ زندانیان در این پرونده، رسانه های دولتی ایران پس از اجرای احکام اعدام و در موضوع اطلاع رسانی اتهام این افراد را دگرگون کرده و آنان را به عضویت در حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) که با دولت ایران در ستیز است متهم کردند، برای مجموعه قابل فهم نیست وقتی که روند بازداشت، محاکمه، پرونده سازی و نهایتاً اجرای حکم بر پایه اتهامات غیرواقعی شکل گرفته است، چرا همان اتهامات بی اساس از سوی حکومت ایران در زمان خبری شدن باز به موضوع کذبی دیگر برمیگردد.

اتهام عضویت در حزب پژاک بارها از سوی متهمان و سپس حزب مذکور با نگارش نامه و اطلاعیه رد شد بود. برای اثبات این ادعا کافی است به بیانیه شماره ۲ - مورخ ۲۷ خرداد ۸۷ مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران توجه شود، در قسمتی از این بیانیه آمده بود :

“آقای علیرضا جمشیدی در کنفرانس مطبوعاتی روز سه شنبه مورخه 7/3/87 اظهاراتی را در مورد پرونده فرزاد کمانگر و دو فعال سیاسی دیگر بیان نمودند که با تیتراهای دیگری نیز از سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید . در این رابطه این مجموعه لازم میدانند ضمن اعتراض به اطلاع رسانی غیر مستند آقای جمشیدی نکاتی چند را جهت تنویر افکار عمومی اعلام نماید .

دو سال از دستگیری فرزاد کمانگر و دو نفر از فعالین سیاسی به نامهای علی حیدریان و فرهاد وکیلی میگذرد که در شعبه 30 دادگاه انقلاب تهران به اتهام عضویت در حزب پ.ک.ک (حزبی متعلق به کردستان

کشور ترکیه) به اعدام محکوم شدند و آقایان حیدریان و وکیلی نیز هر کدام بعلاوه اعدام به ده سال زندان محکوم گردیدند. این سه نفر در مردادماه 85 دستگیر شده و به مدت 5 ماه در بازداشتگاه 209 اوین بدون تفهیم اتهام ، اجازه داشتن وکیل ، اجازه ملاقات و تلفن به خانواده بسر برده اند . سپس در 18 دی ماه 85 به بازداشتگاه اطلاعات کرمانشاه منتقل گردیدند ، نامبردگان بیش از دوماه در این بازداشتگاه به سر بردند بدون تفهیم اتهام و حتی وجود کوچکترین امکانی از ملاقات با خانواده و داشتن وکیل و در سایه نقض حقوق انسانی زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتند (متن رنجامه فرزاد کمانگر)، مدیرکل اداره اطلاعات کرمانشاه (آقای کریمی) در تاریخ 19 تیرماه 86 در اظهار نظری غیرمسئولانه در کنفرانس خبری درباره هویت عوامل بمبگذاری در "اردیبهشت ماه 85 فرمانداری کرمانشاه" اظهار میدارد "این سه نفر از اعضای پژاک بودند که دستگیر شده اند و ده کیلو مواد منجره از آنان کشف شده که پرونده آنان در حال طی مراحل قضائی است" (روزنامه همشهری همان تاریخ) این اظهارات بیشتر برای فریب افکار عمومی ، پنهان کردن وضعیت وخیم بازداشتگاه کرمانشاه ، توجیح اعمال غیرقانونی ماموران امنیتی و سرپوش گذاشتن بر پرونده انفجارهای کرمانشاه از سوی این مقام مسئول صورت گرفت .

دو هفته بعد از این اظهار نظر هر سه متهم با حضور در شعبه 14 بازپرسی ویژه امنیت در تهران از اتهام عضویت در پژاک تبرئه شدند و پرونده آنان به اتهام عضویت در پ ک ک به شعبه 30 دادگاه انقلاب تهران ارسال شد .

شعبه ۳۰ دادگاه انقلاب خود را با توجه به اینکه هیچیک از متهمین در تهران جرمی مرتکب نشده اند فاقد صلاحیت دادرسی اعلام نمود و پرونده به شهرستان سنندج ارسال گردید . متهمان بدون اتهام جدیدی مجدداً دوماه در سلولهای انفرادی اداره اطلاعات سنندج به سر بردند (فرزاد کمانگر در این مرحله از بازداشتگاه طی نامه ای از شکنجه خود خبر داد) . پرونده آنان در شعبه 1 دادگاه انقلاب سنندج مفتوح شد اما با توجه به اینکه متهمین هیچگونه جرمی در کردستان مرتکب نشده اند و بعلت عدم وجود مدارک و مستندات دال بر عضویت در پ ک ک پرونده به دیوان عالی و سپس دوباره به دادگاه انقلاب تهران ارسال میگردد ، پرونده در شعبه 30 دادگاه انقلاب طی جلسه ای نمایشی بدون حضور نماینده دادستان ، هیئت منصفه ، حتی بدون اجازه صحبت متهمین با وکلای خود در دادگاهی برای هر نفر به مدت پنج دقیقه به اتهام عضویت در پ ک ک همگی به اعدام محکوم شدند و علی حیدریان و فرهاد

وکیلی نیز هر کدام علاوه بر اعدام به ده سال زندان نیز محکوم گردیدند . هرچند متهمین اعلام میدارند که بازجوهای اطلاعات در بدو دستگیری بارها اعلام نمودند که به حکم اعدام محکوم خواهند شد. به گواه تمامی مستندات و به گفته وکیل فرزاد کمانگر ، " نامبرده از تمامی اتهامات تبرئه شده و در کیفرخواست و حکم صادره نهایی اتهامی دال بر بمبگذاری یا حمل مواد منفجره در هیچ مکانی وجود نداشته است " و حکم اعدام نامبرده تنها مربوط به عضویت در حزب پ ک ک بوده است . جای تعجب است اکنون پس از دو سال صحبت از بمب گذاری در کدام دانشگاه بوده است (تیتراخبار سیمای جمهوری اسلامی در روز مذکور) که حتی بازجوهای اطلاعات نیز از آن بی خبر بوده و سئوالی ننموده اند؟

موضوع دیگر این است که در حال حاضر دهها عضو رسمی پ ک ک (یک حزب مربوط به کردستان کشور ترکیه) در زندانهای جمهوری اسلامی هستند . کدامیک از آنان محارب شناخته شده اند و چگونه است پ ک ک در دادگاهی محارب باشد و در دادگاهی دیگر خیر .

در مجموع این اظهار نظر عامدانه غیرمسئولانه آقای جمشیدی شبیه اظهار نظر فاتحانه مدیر کل اداره اطلاعات کرمانشاه میباشد که در آن مقطع به خاطر رفع مسئولیت و سرپوش گذاشتن پرونده بمبگذاری فرمانداری کرمانشاه همین سه نفر را از اعضا پژاک و عوامل بمبگذاری معرفی نموده اما چند روز بعد از آن دادگاه تهران نامبردگان را از عضویت در پژاک و بسیار اتهامات دیگر تبرئه مینماید . حال چگونه است آقای جمشیدی با همان شیوه اداره کل اطلاعات موردی را مطرح میکند که اصلاً در پرونده موجود نمیباشد ."

علاوه بر وکلا، همینطور فرزاد کمانگر بعنوان یکی از متهمان این پرونده با انتشار حداقل دو نامه مشخص به پاسخگویی در این رابطه اقدام نمود. وی در نامه ای به ریاست قوه قضاییه در بهمن ماه ۱۳۸۸ چنین می نویسد :

- در جلسه هفت دقیقه ای در شعبه ۳۰ دادگاه انقلاب تهران در کمال ناباوری از قاضی پرونده شنیدم که : "وزارت اطلاعات خواستار اعدام شماست ، بروید و آن ها را راضی کنید."

- قبل از جلسه دادرسی ، اینجانب از کلیه اتهامات مبرا شناخته شده و این بار با اتهام جدید عضویت در حزب پ.ک.ک. در جلسه مذکور محکوم به اعدام گردیدم . با تأسف حکم مذکور در دیوان عالی کشور بدون توجه به انواع و اقسام امور خلاف قانون آیین دادرسی کیفری که

بروز آن در پرونده محرز و متقن است ، تأیید گردید.

- پس از مدتی بر اثر اعتراضات مردمی که در مرداد ماه ۸۷ به خاطر اعتراض به حکم اینجانب ، دوباره در بازداشتگاه ۲۰۹ تهران بهمدت ۵ ماه دیگر تحت بازجویی مجدد قرار گرفتم و در کمال شگفتی رویکرد کلی بازجویان و کارشناسان وزارت اطلاعات با عملکرد سابق تناسب معکوس داشته است و در حالیکه با شواهد و قراین بسیار و بازجویی های جدید برای کارشناسان پرونده مشخص شده بود که عضو هیچ حزب و سازمانی نبوده ام، به اینجانب اعلام نمودند با توجه به شرایط جدید حاکم بر پرونده از خانواده، دوستان و همکاران بخواهید که مبادا مورد سوء استفاده قرار بگیرند، چرا که اساساً شما عضو هیچ حزب و گروهی نبوده اید که اکنون کسی بخواهد با موج سواری سیاسی از پرونده بهره برداری مصادره به مطلوب بنماید.

همینطور بعنوان سندی دیگر باید به نامه ^۱ طلب عفو از چه و به که ^۲ آقای کمانگر، منتشر شده در سال ۱۳۸۷ اشاره داشت که نامبرده ضمن رد تقاضای عفو به صورت تفصیلی به برشمردن موارد متعدد نقض حقوق خود و بی اساس بودن اتهامات و همینطور چگونگی صدور حکم می پردازد. وی در قسمتی از این نامه می نویسد :

- در خلال دوره 16 ماهه در کارخانه متحول سازی وزارت اطلاعات و بعد از اعزام از کرمانشاه به تهران دفعتاً ^۳ و طی یک عملیات محیرالعقول عناوین اتهامی قبلی اینجانب نظیر عضویت در حزب پزاک ، حمل مواد منفجره ، اقدام به شروع بمب گذاری و حتی بمبگذاری از نامه اعمال من محو شده و اتهام خلق الساعه جدیدی به نام عضویت در حزب کارگران کردستان ترکیه؟!!! برایم تجویز شد . البته بنا به عادت مافی السبق بدون هیچگونه مستند و مدرکی ، حتی جعلی و ظاهری

در این رابطه با توجه به شرایط و اعتراضات جاری، این مجموعه لازم دید تا با انتشار فایل صدایی از فرزاد کمانگر بعنوان یکی از اسناد خود در ارتباط با این پرونده و حقوق نقض شده از شهروندان اعدام شده به تنویر افکار عمومی مبادرت کند.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران معتقد است نظر به فرآیند 4 ساله اطلاع رسانی وکلا، نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، کیفرخواست صادره، و مدعیات متهمان به خوبی روشن است که اتهام این افراد در زمانهای مختلف اشکال متعددی یافته است و نهایتاً آن اتهامی که دولت ایران در رسانه های خود در خصوص سه تن از اعدام شدگان ۱۹ اردیبهشت اعلام کرد کاملاً با مکتوبات و حکم صادره دادگاه انقلاب

تفاوت دارد.

این مجموعه با تاکید مجدد بر غیرحقوقی بودن این پرونده، امید دارد در سایه حمایت افکار عمومی و وجدانهای بیدار با اجرایی کردن استراتژی هزینه مند کردن نقض حقوق بشر برای ناقضان آن به واقعیت پایان دادن به نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران نزدیک شود.

دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹